

اجلاس مارس ۲۰۰۴ شورای حکام

از فاصله اجلاس نوامبر ۲۰۰۳ تا اجلاس مارس ۲۰۰۴ شورای حکام، تحولات مهمی در عرصه سیاسی به وقوع پیوست. در واقع، چهارماه پس از توافق تهران شاهد توافق دیگری در بروکسل بین ایران و سه کشور اروپایی هستیم. این موافقت نامه که در ۴ اسفند ماه ۱۳۸۲ (۲۳ فوریه ۲۰۰۴) منعقد شد، به موافقت نامه بروکسل مشهور شد. در این موافقت نامه نیز تعهدات ایران به صورت بسیار شفاف و اجرایی و تعهدات سه کشور اروپایی در قالب موارد کلی و غیراجرایی مورد اشاره قرار گرفته اند. براساس این موافقت نامه، تعهدات ایران به شرح زیر می باشد:

- ارائه اظهارنامه ها برطبق پروتکل الحاقی و راستی آزمایی آن ها توسط آژانس. این تعهد نشان می دهد که سه کشور اروپایی به صورت نردبانی در حال بالا بردن سطح خواسته های خود هستند. برابر بیانیه تهران، ایران پذیرفت که پروتکل الحاقی را تا قبل از تصویب آن اجراء نماید و برابر این موافقت نامه نیز اظهارنامه های تمامی فعالیت های هسته ای برابر پروتکل باید به آژانس ارسال شود. این اقدام، حلقه تکمیلی نظارت کامل بر فعالیت ها و اقدامات گذشته و حال ایران و برنامه های آینده بود که فراتر از الزامات حقوقی موجود ایران صورت می گرفت.
- تعلیق مونتاژ و آزمایش سانتریفیوژها.
- تعلیق ساخت داخلی قطعات سانتریفیوژ.
- اعمال تعلیق فعالیت های غنی سازی نسبت به تمامی تأسیسات موجود در ایران. تعهدات ایران همان گونه که در ارزیابی تعهدات طرف اروپایی در بیانیه تهران مورد اشاره قرار گرفت، نشان می دهد که آن ها به دنبال توقف کامل برنامه هسته ای ایران در بعد غنی سازی بودند.

تعهدات سه کشور اروپایی نیز به شرح زیر می باشد:

- کار فعال برای شناسایی تلاش های ایران در اجلاس ژوئن ۲۰۰۴ شورای حکام، به منظور عادی کردن اجرای پادمان و پروتکل الحاقی در ایران. در مقایسه با تعهدات وسیع ایران، عادی کردن موضوع هسته ای ایران در آژانس می توانست یکی از تعهدات طرف اروپایی باشد، اما سه کشور در این زمینه حتی تعهد قطعی نیز ندارند و صرفاً اظهار داشتند که در این خصوص به طور فعال کار خواهند کرد.
- اعتقاد به این که اجرای تعهدات ایران به تقویت فرایند رابطه سازی بین اتحادیه اروپا و ایران کمک خواهد کرد و راه گفتگو با ایران را که از دوماه بعد و با هدف توافق درمورد

تضمین های درازمدت مربوط به برنامه تولید نیروی هسته ای ایران صورت می پذیرد، مهیا خواهد کرد.

مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی، گزارشی از اجرای پادمان در جمهوری اسلامی ایران را به اجلاس مارس ۲۰۰۴ شورای حکام ارائه نمود. در این گزارش آمده است که ایران دسترسی های لازم را به آژانس اعطاء نموده است و آژانس قادر بوده است که تعلیق فعالیت های مرتبط با غنی سازی اورانیوم توسط ایران را راستی آزمایی نماید. مدیرکل آژانس در گزارش خود به برخی نگرانی ها و موضوعاتی که باید حل و فصل شوند اشاره کرد، مانند پلونیوم ۲۱۰، دامنه سانتریفیوژهای P₁-P₂ و منشأ آلودگی با غنای بالا و پایین.

نماینده جمهوری اسلامی ایران نیز در این اجلاس با قرائت بیانیه ای به همکاری های ایران با آژانس نظیر اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی و تعلیق فعالیت های مرتبط با غنی سازی اورانیوم اشاره کرد. در این بیانیه، همچنین به ابهامات اشاره شده در گزارش مدیرکل آژانس پیرامون مسائل مختلف، پاسخ لازم داده شده است.

جنبش عدم تعهد نیز با صدور بیانیه ای، از همکاری های فزاینده ایران و آژانس و اتخاذ اقدامات اصلاحی استقبال نمود. در بیانیه عدم تعهد همچنین آمده است که تعلیق فعالیت های غنی سازی اورانیوم توسط ایران، یک اقدام داوطلبانه است که با هدف اعتمادسازی صورت گرفته و مقصود از آن حل و فصل سریع مسئله بوده است.

جمهوری اسلامی ایران همچنین نقطه نظرات و مواضع خود درخصوص گزارش مدیرکل آژانس درمورد اجرای پادمان در ایران را به صورت مکتوب در اختیار آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار داد که به عنوان سند آژانس نیز به ثبت رسید. در این اجلاس نیز قطعنامه ای با حمایت آمریکا و کشورهای غربی درمورد برنامه هسته ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید.

۱. گزارش مدیرکل آژانس در خصوص اجرای موافقت نامه پادمان در ایران^۱

الف) گاه شمار از ماه نوامبر ۲۰۰۳

آژانس بین ۸ تا ۱۶ دسامبر ۲۰۰۳، بازرسی های خاص (ADHOC) را از مرکز تحقیقات هسته ای تهران (TNRC) و سایت نطنز، راستی آزمایی اطلاعات طراحی (DIV) را در مرکز تحقیقات هسته ای تهران، نطنز و مرکز فناوری هسته ای اصفهان (ENTC) و بازرسی تکمیلی را در مراکز فناوری هسته ای اصفهان و کرج انجام داد. در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳، دولت ایران پروتکل الحاقی به موافقت نامه پادمان ها را امضاء کرد. در یادداشت رسمی مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۰۳، دولت ایران دامنه تعلیق فعالیت های غنی سازی و بازفراوری خود را که از آژانس برای راستی آزمایی آنها دعوت کرده بود، مشخص کرد. در ۲۴ فوریه ۲۰۰۴، ایران تصمیم خود را مبنی بر گسترش دامنه تعلیق به آژانس اطلاع داد. در ۶ ژانویه ۲۰۰۴، مدیرکل در وین با دکتر روحانی، دبیر دبیرشورای عالی امنیت ملی ایران دیدار کرد تا مسائل مربوط به موضوعات باقی مانده پادمان و تصمیم ایران برای تعلیق تمام فعالیت های مربوط به غنی سازی و بازفراوری را به بحث بگذارد. بین ۱۰ تا ۲۸ ژانویه ۲۰۰۴، آژانس بازرسی های پادمان و راستی آزمایی اطلاعات طراحی را در نطنز، کرج، مرکز فناوری هسته ای اصفهان و مرکز تحقیقات هسته ای تهران انجام داد. آژانس همچنین بازرسی تکمیلی را از کارگاه شرکت کالای الکترونیک و تعدادی از سلول های داغ واقع در مرکز تحقیقات هسته ای تهران و آزمایشگاه های جابربن حیان انجام داد. آژانس همچنین اجازه یافت به تعدادی از سایت های نظامی برای نمونه برداری محیطی در کارگاه هایی که تولید داخلی قطعات ساترئیویژ گازی را انجام می دادند، دسترسی پیدا کند. در ۳ و ۴ فوریه ۲۰۰۴، مدیرکل در وین با هیأتی بلندپایه از ایران دیدار کرد تا درباره موضوعات باقی مانده پادمان و اجرای تصمیم ایران برای تعلیق فعالیت های غنی سازی و بازفراوری بحث و گفتگو کند. بین ۱۵ تا ۱۹ فوریه ۲۰۰۴، آژانس بازرسی هایی را در ادامه اقدامات مربوط به بازرسی های قبلی از جمله راستی آزمایی مواد هسته ای اظهارشده به آژانس در اکتبر ۲۰۰۳ انجام داد. در ۱۷ فوریه ۲۰۰۴، هیأتی از مقامات ارشد ایران با مدیرکل دیدار کردند تا به آژانس اطلاع دهند که اطلاعات بیشتری درباره موضوعات بحث شده در اجلاس قبلی در فوریه ارائه خواهد شد. این اطلاعات طی نامه مورخ ۲۰

^۱ Gov/۲۰۰۴/۱۱, ۲۴ February ۲۰۰۴.

فوریه ۲۰۰۴ و در فرآیند مورد ارزیابی به آژانس ارائه گردید. در ۲۱ فوریه ۲۰۰۴، مدیرکل به منظور بررسی و مرور موضوعات باقی مانده پادمان و راستی آزمایی تعلیق فعالیت های غنی سازی و بازفرآوری، با آقای روحانی در وین دیدار کرد.

ب) فعالیت های راستی آزمایی

تبدیل اورانیوم: همان گونه که در گزارش نوامبر ۲۰۰۳ مدیرکل منعکس شد، ایران به آژانس گفته است که تأسیسات تبدیل اورانیومی را که در حال حاضر در مرکز فناوری هسته ای اصفهان در دست ساخت است، بدون این که تعدادی از فرآیندهای تبدیل اصلی آزمایش شده باشد طراحی کرده است. طی دیدار ژانویه ۲۰۰۴، مجموعه گسترده ای از طراحی ها و گزارش های فنی مربوط به پروژه UCF که توسط تأمین کننده خارجی تهیه شده بود، در اختیار کارشناسان تبدیل آژانس گذاشته شد. بر مبنای بررسی اولیه این اسناد، اظهارات ایران مبنی بر این که UCF ضرورتاً بر اساس این طراحی ها و گزارش های فنی ساخته شده است به نظر معتبر می آید، اما مقایسه بعدی اسناد با قطعات ساخته شده UCF برای تأیید این نتیجه اولیه ضروری است. همانگونه که قبلاً گزارش شد، آژانس سؤالاتی را از ایران درباره هدف و استفاده از فلز اورانیوم که در UCF تولید شده مطرح کرده است.

ایران در نامه بعدی خود در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ تصدیق کرد که تجربیات تبدیل در مقیاس آزمایشگاهی را در آزمایشگاه تبدیل اورانیوم (UCL) در مرکز فناوری هسته ای اصفهان، در آزمایشگاه های رادیوشیمیایی سابق واقع در مرکز تحقیقات هسته ای تهران و آزمایشگاه جابربن حیان با استفاده از مواد هسته ای که در سال ۱۹۷۷، ۱۹۸۲ و ۱۹۹۱ وارد کرده بوده، انجام داده است. همانگونه که قبلاً مقامات ایران موافقت کرده بودند، در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۳ ایران اطلاعات طراحی برای تأسیسات ذخیره سازی زباله های رادیواکتیو و اطلاعات طراحی تجدیدنظر شده برای آزمایشگاه جابربن حیان و در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۳ گزارش های تغییر سیاهه مربوط به آزمایش ها را ارائه نمود. اطلاعات فنی اضافی نیز توسط ایران با توجه به زمینه های کار تبدیل تجربی، شامل زمینه تولید فلز اورانیوم ارائه شد. طی بازرسی اکتبر ۲۰۰۳ آژانس از مرکز تحقیقات هسته ای تهران، ایران برای راستی آزمایی آژانس ۱۷ کیلوگرم اورانیوم از ترکیب های گردآوری شده مختلف از تمامی سایت را ارائه داد که بخشی از آن از تجربیات تبدیل به دست آمده بود. کار درباره ویژگی های مواد هسته ای به کار رفته در این تجهیزات، از جمله

درباره منشأ کاربرد و کمیت آن ادامه دارد. در ۱۴ و ۱۵ ژانویه ۲۰۰۴، بازرسان آژانس برای نظارت بر بازیافت مواد هسته ای جمع آوری شده و به دست آمده از تجهیزات برچیده شده که در تجربیات تبدیل استفاده شده بود، از کرج بازدید کردند و نمونه هایی از ترکیب های اورانیوم برای تحلیل تخریبی گرفته شد. موافقت شد که تجهیزات می توانند همچنان توسط ایران برچیده شوند و پس از آماده شدن نتایج تجزیه و تحلیل آژانس و به شرطی که نتایج موافق با اظهارات ایران باشد، از رده خارج شوند. تجزیه و تحلیل داده های ارائه شده توسط مقامات ایران ادامه دارد و اقدامات تحلیلی بیشتر به منظور تأیید اظهارنامه ایران درخصوص این فعالیت ها جهت حصول اطمینان از عدم وجود تبدیل در مقیاس آزمایشی در حال انجام می باشد.

تجربیات پرتوزدایی و بازآوری: در طول سال ۲۰۰۳، ایران پرتوافکنی هایی را که در رآکتور تحقیقاتی تهران از اورانیوم تهی شده UO_2 با هدف آماده سازی آن برای مرکز فناوری هسته ای اصفهان و متعاقباً بازآوری با هدف استقرار در اتاقک های حفاظ دار در مرکز تحقیقات هسته ای تهران انجام شد، تأیید کرد. اتاقک های حفاظ دار که گفته می شود بازآوری در آن ها صورت گرفته است، برچیده شده و در انباری در مرکز تحقیقات هسته ای تهران به همراه تجهیزات مرتبط نگهداری می شوند. در طول بازرسی که در ماه های نوامبر و دسامبر ۲۰۰۳ صورت گرفت، آژانس از این اتاقک ها و تجهیزات مربوطه نمونه برداری محیطی کرد. نتیجه نمونه برداری هنوز موجود نیست. ایران اکنون به عنوان اقدام اصلاحی گزارش حسابرسی شامل نقل و انتقال اهداف پرتو داده شده در بین مرکز فناوری هسته ای اصفهان، رآکتور تحقیقاتی تهران و آزمایشگاه جابربن حیان را ارائه کرده است. در ۸ نوامبر ۲۰۰۳، پلوتونیوم جدا شده در نتیجه این آزمایش ها به شکل محلول پلوتونیوم در دوظرف شیشه ای کوچک به آژانس برای راستی آزمایی ارائه شد. بازرسان آژانس از محلول به منظور آنالیز آزمایشگاهی نمونه برداری کردند که نتایج آن هنوز موجود نیست. ایران تخمین می زند که مقدار اصلی پلوتونیوم در این محلول، در حدود ۲۰۰ میکروگرم بوده است. تا زمانی که نتایج نمونه برداری اعلام کردند، آژانس نمی تواند دقت این تخمین را مورد راستی آزمایی قرار دهد. اما بر مبنای محاسبات آژانس، میزان پلوتونیومی که از ۳ کیلوگرم اورانیوم تهی شده مورد نظر تحت شرایط پرتو دهی اعلام شده، می بایستی بیشتر از این باشد. دلیل این اختلاف ظاهری روشن نیست و این موضوع همچنان با ایران مورد بحث باقی مانده است. در سپتامبر ۲۰۰۳، بازرسان آژانس با آگاهی از این که پرتوافشانی

اورانیوم در رآکتور تحقیقاتی تهران صورت گرفته است، از طریق سوابق موجود متوجه شدند که نمونه های فلز بیسموت در محدوده زمانی (۱۹۹۳-۱۹۸۹) پرتوافشانی شده اند. اگرچه بیسموت مواد هسته ای نیست که براساس موافقت نامه پادمان نیاز به اظهار داشته باشد، چون پرتودهی آن پلونیوم ۲۱۰ تولید می کند که نه تنها برای استفاده های غیرنظامی (همچون ژنراتورهای ترموالکتریک ایزوتوپی و در واقع باطری) کاربرد دارد، بلکه در ارتباط با برلیوم می تواند برای اهداف نظامی (به ویژه به عنوان چاشنی نوترون برخی از انواع سلاح هسته ای) استفاده شود، مورد توجه و علاقه آژانس است. ایران در نامه ای به تاریخ ۱۳ نوامبر ۲۰۰۳ خطاب به آژانس اطلاع داد که پرتوافشانی بیسموت بخشی از امکان سنجی مطالعاتی برای تولید و استفاده پلونیوم ۲۱۰ در ژنراتورهای ترموالکتریکی ایزوتوپی بوده است. طی دیدارهای خود از ایران در نوامبر و دسامبر ۲۰۰۳، آژانس درخواست توضیح بیشتری کرد و در ژانویه ۲۰۰۴ توانست با دو دانشمند ایرانی درگیر در پرتوافشانی بیسموت مصاحبه کند. این دانشمندان تأیید کردند که هدف پروژه تنها برای تحقیق در مورد جداسازی شیمیایی پلونیوم و توسعه ژنراتورهای ترموالکتریکی ایزوتوپی بوده است. در طول بحث های بعدی در وین در فوریه ۲۰۰۴، مقامات ایرانی گفتند که آزمایش های مرتبط با پلونیوم ۲۱۰ بخشی از مطالعه در مورد چشمه نوترونی بوده است. آنان یادآور شدند که چشمه نوترونی موجود در بازار که به عنوان مثال در صنعت کاربرد دارد، به دلیل تضییق های وارداتی برای ایران قابل دستیابی نیست.

غنی سازی اورانیوم به وسیله سانتریفیوژ گازی: همان گونه که قبلاً توافق گردید، گزارش تغییر سیاهه مواد مربوط به کارخانه آزمایشی غنی سازی سوخت نظنز شامل مواد هسته ای استفاده شده برای آزمایش های غنی سازی در کارگاه کالای الکتریک (که هم اکنون در نظنز مستقر شده است)، توسط ایران ارائه گردید و قسمت های مرتبط به اطلاعات طراحی آن روزآمد شد. همانگونه که قبلاً توضیح داده شد، نمونه برداری های محیطی که به وسیله آژانس از نظنز و کارگاه شرکت کالای الکتریک به عمل آمد، وجود ذراتی از اورانیوم طبیعی و اورانیوم با غنای پائین و بالا را آشکار ساخت. به عنوان بخشی از تلاش های خود برای حل مسئله آلودگی، آژانس به نمونه برداری محیطی از اجزاء سانتریفیوژهای وارداتی و ساخت داخلی و تجهیزات مستقر در نظنز ادامه داده است. آژانس همچنین اخیراً از کشور دیگری درخواست کرده است تا اجازه نمونه برداری محیطی از مکان هایی که سانتریفیوژهای وارداتی به نظر می رسد در آنجا تهیه شده اند را صادر کند. نمونه برداری از چنین مکان هایی برای آژانس به

منظور رسیدن به نتیجه درخصوص مسئله آلودگی ضرورت دارد. در بیانیه ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳، ایران اسامی کارگاه های سازنده که در داخل به تولید قطعات سانتریفیوژ اشتغال دارند را ارائه کرد. در پاسخ به تقاضای بیشتر آژانس، ایران مکان کارگاه ها و اطلاعات مربوط به عملکرد آنان در ارتباط با برنامه غنی سازی سانتریفیوژ را در اختیار آژانس قرارداد. در ژانویه ۲۰۰۴، به آژانس دستیابی هدایت شده به کارگاه های سازنده قطعات داده شد تا نمونه برداری محیطی به منظور روشن ساختن دلایل آلودگی قطعات سانتریفیوژ ساخت داخل به عمل آید. درحالی که نتایج این نمونه برداری ها هنوز ارائه نشده است، نتایج به دست آمده از نمونه برداری های قبلی اکنون موجود است و یافته های پیشین آژانس را تأیید می کند. برمبنای نمونه برداری های محیطی که تاکنون به عمل آمده است، تعدادی موارد اختلاف و سؤالات بی پاسخ باقی مانده اند.

همان طوری که قبلاً گزارش شد، آژانس به بررسی گاهشمار برنامه غنی سازی با استفاده از سانتریفیوژ گازی و ارزیابی اظهارنامه های مربوط به این برنامه مندرج در نامه ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ ادامه داده است. بررسی های آژانس منتهی به این موضوع شد که آژانس بررسی کند که ایران ممکن است نقشه های طراحی سانتریفیوژ پیشرفته تر موسوم به سانتریفیوژ P-۲ را داشته باشد. در پاسخ به درخواست آژانس در اوائل ژانویه ۲۰۰۴ درمورد این امکان، ایران در ۲۰ ژانویه ۲۰۰۴ در نشستی با کارشناسان غنی سازی اورانیوم آژانس تصدیق نمود که در سال ۱۹۹۴ طرح های سانتریفیوژ P-۲ را از منابع خارجی دریافت نموده و بدون مواد هسته ای و با استفاده از قطعات روتور ساخت داخل، مبادرت به برخی آزمایش های مکانیکی نموده است. مقامات ایرانی طرح های P-۲ را به آژانس نشان دادند و گفتند که این طرح ها را از یک واسطه خارجی دریافت کرده اند. مقامات ایرانی بیان داشتند که ایران هیچ دستگاه سانتریفیوژ P-۲ یا قطعات آن را از خارج دریافت نکرده و قطعاتی که داشته را در داخل تولید کرده است. همچنین، ایران اطلاعات مربوط به فعالیت های تحقیق و توسعه P-۲ را ارائه کرده است. طبق این اطلاعات، سازمان انرژی اتمی ایران در سال ۱۹۹۹ یا ۲۰۰۰ ضمن عقد قرارداد با یک شرکت خصوصی در تهران، اقدام به توسعه یک سانتریفیوژ P-۲ نمود. آژانس در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۴ توانست با مالک این شرکت مصاحبه کند. مالک این شرکت بیان داشت که این کار پس از ژوئن ۲۰۰۳ پایان یافت و تمامی تجهیزات سانتریفیوژ به سازمان منتقل شد. در پاسخ به سؤال آژانس مبنی بر این که چرا طرح P-۲ و کار مربوطه در اظهارنامه مورخ ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ درج نگردیده بود، مقامات ایرانی

گفتند که به دلیل ضیق وقت در تهیه اظهارنامه مربوط به برنامه تحقیق و توسعه سانتریفیوژ این امر مغفول ماند، ضمن این که این اظهارنامه تنها شامل اطلاعاتی برای اصلاح موارد قصور ایران در گزارش دهی موافقت نامه پادمان بوده است و طبق این موافقت نامه ارائه این اطلاعات ضروری نبوده و تنها براساس مفاد پروتکل این اطلاعات باید ارائه شود. آژانس، در حال حاضر مشغول بررسی تمام اطلاعات موجود درخصوص موضوع سانتریفیوژ P-2 می باشد.

غنی سازی با استفاده از لیزر: ایران در نامه مورخ ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ خود اعلام داشت که از دهه ۱۹۷۰ قراردادهایی مربوط به غنی سازی لیزری با استفاده از روش های جداسازی تبخیر اتمی ایزوتوپ و جداسازی لیزری مولکولی ایزوتوپ داشته است و تجهیزاتی را براساس این قراردادها وارد نموده است. ایران همچنین به آژانس اطلاع داد ۵۰ کیلوگرم فلز اورانیوم در سال ۱۹۹۲ وارد نموده که بخشی از آن در آزمایشاتی که تجهیزات وارداتی در مرکز تحقیقات هسته ای تهران و لشکرآباد استفاده شده بود، به کار گرفته شد. ایران آژانس را مطلع نمود که تجهیزات لیزری همراه با فلز اورانیوم در ماه می ۲۰۰۳ برچیده شده و به کرج منتقل گردید. تجهیزات و ماده هسته ای قبل از گزارش ماه نوامبر به بازرسان آژانس ارائه گردید. نمونه های محیطی از تجهیزات جمع آوری شد و ماده هسته ای با توزین و از طریق تجزیه و تحلیل تخریبی راستی آزمایی گردید. ایران همه گزارش های تغییر سیاهه مربوط به استفاده از فلز اورانیومی که در ماه نوامبر ۲۰۰۳ برای راستی آزمایی آژانس ارائه گردید را به عنوان یک اقدام اصلاحی تسلیم داشت. ایران همچنین اطلاعات طراحی مربوط به تأسیسات انبار پسماند و اطلاعات طراحی برای آزمایشگاه جابربن حیان به منظور پوشش آزمایشگاه های لیزری اضافی و همچنین مخازن پسماند حاوی ماده هسته ای را تسلیم داشت. آژانس به بررسی سوابق حسابرسی ماده هسته ای مربوط به برنامه جداسازی به روش مولکولی لیزری ادامه داده و از نوامبر ۲۰۰۳ نمونه برداری های محیطی بیشتری از تجهیزات اصلی و آزمایشگاه های وابسته و مخازن حاوی پسماند انجام داده است. نتایج تجزیه و تحلیل های نمونه ها هنوز آماده نشده است. آژانس با دریافت اطلاعات و بررسی بیشتر اعلامیه ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ ایران، به ارزیابی گاهشمار برنامه غنی سازی لیزری ایران ادامه می دهد. آژانس با پشتیبانی کشورهای مرتبط عضو تلاش نموده است تا تجهیزات اصلی تحویلی را با اطلاعات ارائه شده از سوی ایران پیرامون برنامه های جداسازی به روش لیزر و جداسازی به روش مولکولی لیزر تطبیق دهد. اگرچه اطلاعات مربوط به برنامه جداسازی به روش مولکولی لیزر در دهه ۱۹۷۰

ظاهراً دارای ارتباط منطقی می باشد، دریافت اطلاعات بیشتر درباره تجهیزات تحویلی مربوط به برنامه جداسازی به روش اتمی لیزر همچنان مورد انتظار است.

برنامه راکتور آب سنگین: ایران در سال ۲۰۰۳ احداث کارخانه تولید آب سنگین در اراک و برنامه این کشور برای ساخت راکتور آب سنگین را به آژانس اظهار داشت. ایران، اطلاعات طراحی مقدماتی درباره راکتور را همراه با اطلاعات مقدماتی درباره تأسیساتی جهت تولید سوخت برای این راکتور که در سایت اصفهان ساخته خواهد شد، ارائه نمود.

تعلیق فعالیت های مربوط به غنی سازی و بازفرآوری: همانگونه که مدیرکل در اجلاس ماه نوامبر ۲۰۰۳ شورا گزارش داد، ایران وی را در تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳ از تصمیم خود برای تعلیق فعالیت های مربوط به غنی سازی و بازفرآوری و این که تعلیق تمام فعالیت ها در تأسیسات غنی سازی نطنز، تولید تمام مواد تزریقی برای غنی سازی و ورود هرگونه اقلام مربوط به غنی سازی را پوشش خواهد داد، مطلع نمود. ایران، سپس طی یادداشت رسمی مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۰۳ آژانس را مطلع نمود که فوراً: عملیات و یا آزمایش یا هرگونه سانتریفیوژ با یا بدون ماده هسته ای در طی آزمایش غنی سازی در نطنز را به حالت تعلیق درمی آورد، ورود ماده هسته ای به هر سانتریفیوژی را به حالت تعلیق درمی آورد، نصب سانتریفیوژ در کارخانه آزمایشی غنی سازی سوخت نطنز و نصب سانتریفیوژ در کارخانه غنی سازی سوخت نطنز را به حالت تعلیق درمی آورد، اگر امکان عملی باشد ماده هسته ای را از تأسیسات غنی سازی سانتریفیوژی تا حد امکان خارج می سازد. ایران همچنین بیان داشت که درحال حاضر هیچ نوعی از تأسیسات سانتریفیوژ گازی غنی سازی در هیچ نقطه ای در ایران به جز تأسیسات نطنز را در دست ساخت ندارد، هیچ طرحی درطول دوره تعلیق برای ایجاد توانمندی جداسازی ایزوتوپی ندارد، طرح های غنی سازی لیزری خود را برچیده و تمام تجهیزات مربوطه را برداشته، و هیچ تأسیسات جداسازی پلوتونیوم را نه می سازد و نه راه اندازی می کند. ایران همچنین اظهار داشت که درطول دوره تعلیق، قصد ندارد قرارداد جدیدی را برای ساخت دستگاه های سانتریفیوژ و قطعات مربوطه منعقد کند. آژانس می تواند بر ذخیره تمام دستگاه های سانتریفیوژ نصب شده درطول دوره تعلیق نظارت کند و ایران قصد ندارد دستگاه های سانتریفیوژ و قطعات مربوطه را وارد کند یا موادی را درطول دوره تعلیق برای غنی سازی به آن ها تزریق نماید و در ایران هیچ گونه تولید مواد تزریقی و تغذیه ای جهت غنی سازی وجود ندارد. در ۲۴ فوریه ۲۰۰۴، ایران آژانس را مطلع ساخت که

دستورالعمل هایی تا هفته نخست مارس برای اجرای سائر تصمیمات داوطلبانه متخذه از سوی ایران جهت موارد ذیل صادر خواهد شد: تعلیق نصب و آزمایش سانتریفیوژها، تعلیق ساخت قطعات سانتریفیوژ در داخل از جمله ساخت قطعات به موجب قراردادهای کنونی تا سرحد امکان. ایران همچنین به آژانس اطلاع داد آن دسته از قطعاتی که به موجب قراردادهای کنونی ساخته می شوند، در محلی تحت مهر و موم آژانس انبار خواهند شد. ایران، آژانس را به راستی آزمایی این تدابیر دعوت کرده است. ایران همچنین تأیید کرد که تعلیق فعالیت های غنی سازی شامل تمام تأسیسات در ایران می باشد.

ایران در ۱۲ نوامبر ۲۰۰۳ تمام سانتریفیوژها در سالن آبشار در کارخانه آزمایشی غنی سازی سوخت نظنز را از کار انداخت، سیلندر تغذیه کننده از اتوکلاوها جدا گردید و بازرسان آژانس تمام تله های سرد و شیمیایی و ایستگاه های تغذیه و خروج را مهر و موم کردند. سالن آبشار همچنان تحت نظارت آژانس قرار دارد و با شرایط این که هیچ غنی سازی در آنجا صورت نمی گیرد، هماهنگ شده است. طی بازرسی هایی که در نوامبر و دسامبر ۲۰۰۳ انجام گرفت، آژانس مهر و موم کردن همه مواد تغذیه UF₆ را کامل کرد. از آن هنگام، نظارت و مراقبت طی بازرسی های ماهانه ادامه یافته و وضعیت عدم به کارگیری آن ها تأیید شده است، راستی آزمایی اطلاعات طراحی در کارخانه غنی سازی سوخت نظنز در ۱۰ دسامبر ۲۰۰۳ انجام پذیرفت. تأسیسات غنی سازی آزمایشی برچیده شده در کارگاه آموزشی شرکت کالای الکتریک در تهران همچنین با استفاده از دسترسی تکمیلی در چارچوب پروتکل الحاقی، تحت نظارت بوده است. طرح آزمایشی تعطیل شده جداسازی به روش اتمی لیزر در لشکرآباد و تأسیسات جداسازی به روش اتمی لیزر و جداسازی به روش مولکولی لیزر در مرکز تحقیقات هسته ای تهران از طریق دسترسی تکمیلی تحت نظارت بوده است. تجهیزات برچیده شده مربوط به جداسازی به روش اتمی لیزر و به روش مولکولی لیزر که اکنون در مرکز تحقیقات هسته ای تهران انبار شده است، مشمول بازرسی با استفاده از اطلاعات طراحی و دسترسی تکمیلی بوده است. به علاوه، تمام فلز اورانیوم اظهارشده در تاریخ ۱۲ نوامبر ۲۰۰۳ مهر و موم شد. عدم تولید UF₆ در مرکز UCF اصفهان و فلز اورانیوم در این مرکز و مرکز تحقیقات هسته ای تهران از طریق بازرسی و راستی آزمایی اطلاعات طراحی و دسترسی تکمیلی تحت نظارت بوده است. آژانس در نتیجه فعالیت های نظارتی خود قادر است تأیید نماید که هیچ عملیات یا آزمایش سانتریفیوژ با یا بدون ماده هسته ای در

طرح آزمایشی غنی سازی در نطنز وجود نداشته است و این که هیچ سانتریفیوژ جدیدی در آنجا نصب نشده است، این که هیچ سانتریفیوژ جدیدی در کارخانه غنی سازی سوخت نطنز نصب نشده است و این که هیچ ماده هسته ای به هیچ سانتریفیوژ اظهارشده به آژانس تزریق نشده است. اگرچه برخی فعالیت های ساختمانی غیرنظامی همچنان در نطنز در حال انجام است، این فعالیت ها مستقیماً به عملیات تأسیسات واقع شده در آنجا ربطی ندارد. ایران بین ماه نوامبر ۲۰۰۳ و اواسط ژانویه (سال جاری) به مونتاژ سانتریفیوژ ادامه داد. ایران در طول این دوره حدود ۱۲۰ سانتریفیوژ (علاوه بر ۸۰۰ سانتریفیوژی که قبل از نوامبر ۲۰۰۳ تولید شده بود) را که توسط آژانس حسابرسی شده بود، مونتاژ نمود. این سانتریفیوژها و هر سانتریفیوژی که از اواسط ژانویه ۲۰۰۴ مونتاژ شده، اکنون توسط آژانس مهر و موم گردیده است. ایران به تولید داخلی اجزاء سانتریفیوژ در چارچوب قراردادهای جاری ادامه داده است. ایران در پاسخ به درخواست آژانس در نامه مورخ ۲۰ فوریه ۲۰۰۴ خود موافقت نمود تا قراردادها بین سازمان انرژی اتمی ایران و تولیدکنندگان داخلی قطعات سانتریفیوژ را ارائه نماید. آژانس قصد دارد در آینده نزدیک برای فعالیت های ضروری بیشتر جهت راستی آزمایی گسترش دامنه تعلیق شامل انبار و مهر و موم کردن قطعات تولیدی سانتریفیوژ در داخل، با ایران بحث و گفتگو نماید. در رابطه با بازفرآوری، آژانس استفاده و ساخت سلول های داغ اعلام شده شامل تجهیزاتی که قبلاً برای آزمایش های جداسازی پلوتونیوم در مرکز تحقیقات هسته ای مرکز فناوری هسته ای اصفهان، کرج و اراک مورد استفاده قرار گرفته بودند را از طریق بازرسی، راستی آزمایی اطلاعات طراحی، دسترسی تکمیلی و استفاده از عکسبرداری ماهواره ای نظارت کرده است. نمونه های باقی مانده اورانیوم پرتو دهی بازفرآوری نشده، در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۳ مهر و موم گردید و مرتباً مورد راستی آزمایی قرار گرفته است.

ج) ارزیابی و گام های آتی

- ایران، تمام مواد هسته ای اظهارشده را جهت راستی آزمایی ارائه نموده است. ایران همچنین گزارش های تمامی تغییرات سیاهه مواد و فهرست موجودی فیزیکی مورد درخواست آژانس را ارائه نموده است. در حالی که برخی اصلاحات مورد نیاز بوده و هنوز بلا تکلیف مانده است، این تاحدی ناشی از نیاز برای برقراری سیستم جمع آوری مواد هسته ای از تجهیزات

برچیده شده و دیگر مسائل مربوط به حسابرسی مواد هسته ای فعالیت های گذشته می باشد. علاوه بر آن، ایران اطلاعات طراحی مربوط به تأسیسات را براساس درخواست آژانس ارائه نموده است. اگر چه بعضی از این اطلاعات نیازمند اصلاحات و یا تکمیل است، اما ایران نسبت به انجام آن ها موافقت نموده است.

- ایران، به طور فعال در اعطاء دسترسی به اماکن مورد درخواست آژانس همکاری نموده است. این همکاری شامل دسترسی به کارگاه های مستقر در سایت های نظامی گردید. از این مورد استقبال می شود. همچنین از تصمیم ایران مبنی بر گسترش دامنه تعلیق در جهت شامل شدن بقیه فعالیت های غنی سازی که به نظر آژانس می تواند باعث ایجاد اطمینان شود نیز استقبال می شود.

- اگرچه بررسی ها ادامه دارد، آژانس در جهت راستی آزمایی اظهارات ایران در مورد پروژۀ UCF، تجربیات و فعالیت های آزمایشی مربوطه پیشرفت های خوبی داشته است. آژانس همچنین تعلیق آن دسته از فعالیت های غنی سازی و بازفرآوری که در یادداشت مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۰۳ تصریح شده را راستی آزمایی نموده است.

- آژانس هنوز باید موضوع باقی مانده کلیدی مربوط به آلودگی های با غنای بالا و پائین که در کارگاه شرکت کالای الکتریک و نظنز یافت شده است و نگرانی های مربوطه را حل و فصل نماید. تا زمانی که این موضوع به نحو رضایت بخش حل نشود، برای آژانس مشکل است که تأیید نماید هیچگونه مواد و یا فعالیت اظهارنشده هسته ای وجود ندارد.

- موضوعات دیگری که نیاز به رفع ابهام دارد، شامل ماهیت و دامنه فعالیت های ایران مرتبط با سانتریفیوژ P-۲، ماهیت تحقیقات غنی سازی ایزوتوپ به وسیله لیزر و جزئیات تجهیزات مربوطه می باشد. به دلیل فقدان اطلاعاتی که اظهارات ایران را تأیید نماید، موضوع هدف فعالیت های ایران مرتبط با تولید و نیت استفاده از پلونیوم ۲۱۰ هنوز مایه نگرانی است.

- آژانس به تلاش های خود برای حل و فصل و رفع ابهام موضوعات باقی مانده ادامه می دهد. در این رابطه، مدیرکل از ایران درخواست نموده است تا به همکاری های خود با آژانس ادامه داده و خصوصاً با ارائه فوری اطلاعات جزئی، این همکاری ها را تشدید نماید.

۲. بیانیه جمهوری اسلامی ایران در شورای حکام^۱

آقای رئیس، مدیرکل محترم، اعضای محترم شورای حکام
مایلم مراتب تقدیر هیئت ایرانی از آقای دکتر محمدالبرادعی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را
به خاطر مدیریت وی ابراز داشته و از تلاش مجدانه پرسنل و بازرسان آژانس در انجام فعالیت‌های
دشوارشان قدردانی نمایم.

گزارش مدیرکل به روشنی بیان‌گر روند فعال همکاری ایران و همچنین فرایند حل و فصل مسائل
است که سیر صعودی به خود گرفته است. در بیش از ۱۱ بند، گزارش آژانس تأکید می‌کند که یا در
حال تجزیه و تحلیل اطلاعات اعلام شده از سوی ایران است یا درانتظار نتایج نمونه برداری‌های
صورت گرفته است.

از نظر ما، گزارش مدیرکل به ویژه بخش ارزیابی و گام‌های بعدی که به موضوعات حائز اهمیت در
اظهارات مقدماتی وی در مورخ ۸ مارس ۲۰۰۴ محدود و منحصر شده، به وضوح انعکاس دهنده
رویکرد و علائمی است که باید برای تدوین قطعنامه مورد تصویب در شورای حکام، چنان‌چه
ضرورتی به چنین قطعنامه‌ای وجود داشته باشد، از آن بهره‌گیری می‌شد. اطمینان داریم که شورای
حکام به خوبی آگاه است که تعداد عمده‌ای از کشورهای عضو با عنایت به گزارش موقت مدیرکل،
این اجلاس را محل و موقعیت مناسبی برای تدوین یک متن محتوایی و اساسی که بنخواهد به تصویب
برسد، نمی‌دانند. یک کشور از طریق تعدادی اندک از هم‌دستان خود در حال تحمیل قطعنامه‌ای در
شورای حکام است و من اطمینان دارم که تعریف درستی را در این ارتباط به کار می‌برم.

نگارنده این قطعنامه، بدون شک در تلاش برای اثبات و متقاعد کردن این موضوع بوده که متن
پیشنهادی با گزارش مدیرکل سازگار است و همان نکات و موضوعات مورد نظر او را منعکس
می‌کند. اما حتی یک بررسی مقدماتی بلافاصله آشکار می‌سازد که این قطعنامه جز ابزاری برای
خدمت به یک دیدگاه کوتاه‌فکرانه، تعصب‌آمیز و به نحو فزاینده‌ای منزوی شونده نیست و به هیچ
روی این دیدگاه مطمح نظر گزارش مدیرکل نمی‌باشد. مدیرکل به کرات در اینجا تأکید کرده است که:
- این کاری در حال پیشرفت است.

^۱ این بیانیه توسط پیروز حسینی، سفیر و نماینده جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین قرائت شده است.

- همکاری گسترده ای در جریان است.
- هیچ مانعی بر سر راه دسترسی ها وجود نداشته است.
- پروتکل به امضاء رسیده و داوطلبانه در حال اجراست.
- فعالیت های برحق غنی سازی جمهوری اسلامی ایران به منظور اعتماد سازی، داوطلبانه به حالت تعلیق درآمده است.
- تمام درخواست های ضروری و فوری اجابت شده است.
- اقدامات اصلاحی، صورت گرفته یا در حال انجام است.
- موضوعات باقی مانده یکی پس از دیگری در حال حل و فصل است.

درست است که مدیرکل به تعداد انگشت شماری از قصورها اشاره کرده، اما تصور نمی کنم که هیچ ناظری با حداقل انصاف این گونه قضاوت کند که این به معنی وجود انحراف و یا تهدیدی بر سر راه فرایند همکاری ها می باشد. پیش نویس قطعنامه از سوی دیگر می خواهد شرایط نسبتاً مطلوب رو به رشد را به عنوان شرایط هشدار شدید ترسیم و با آن جایگزین کند. به رغم تغییرات و اصلاحات محدود در آن، در نتیجه اتخاذ مواضع اصولی از سوی بسیاری از کشورهای حاضر در اجلاس، این قطعنامه هنوز یک شکست جدی است.

در اینجا باید از اعضای جنبش عدم تعهد، رئیس آن و سه کشور عضو جنبش به خاطر تلاش صادقانه آنان در تدوین پیش نویس قطعنامه ای که از توافق عمومی برخوردار گردد، سپاسگزاری کنم. ما استنباط جنبش عدم تعهد از این قطعنامه و بند نهم آن را که به زعم اعضای آن مورد مخالفت این جنبش قرار گرفت، مورد توجه قرار داریم. از آنجا که تأخیرات مکرر صبر اعضای را لبریز ساخته، در اینجا از ارائه جزئیات گزارش پیشرفت های حاصله در خصوص موضوعات مختلف و مشکلاتی که لازم است آن ها را حل و فصل کنیم خودداری می نمایم، اما امیدواریم ارائه گزارشی موجز در انعکاس مقولاتی که امروز مطرح شده و آن چه که پیش روی ما قرار دارد، مفید واقع گردد.

۱. پروتکل الحاقی: در بیشتر سال گذشته امضای پروتکل الحاقی، اجرای موقت آن پیش از تصویب و تصویب آن جزو مسائل مهمی بود که از ایران خواسته شده آن را به منظور برطرف ساختن تردیدها و ارتقای شفافیت و اعتماد نسبت به برنامه صلح آمیز هسته ای انجام دهد. اکنون این موضوع کاملاً صورت گرفته است.

۲. تعلیق فعالیت های مربوط به غنی سازی و بازفرآوری: اقدامات مذکور عیناً درمورد تعلیق فعالیت های مربوط به غنی سازی و بازفرآوری باهدف رفع نگرانی های مربوط به برنامه هسته ای ایران به ویژه هنگامی که با اجرای موقت پروتکل همراه شد، صورت گرفت. اتخاذ تصمیم داوطلبانه ایران مبنی بر تعلیق حقوق مصرح در ان.پی.تی مبنی بر استفاده صلح آمیز از فناوری هسته ای، کار آسانی نبود. اما ایران به منظور حفظ و تأمین اعتماد بین المللی و ارتقای شفافیت درمورد برنامه صلح آمیز هسته ای خود با بسیج اراده سیاسی، به اتخاذ داوطلبانه این تصمیم اقدام نمود. مدیرکل از تصمیم ایران استقبال نمود و در بند ۷۲ گزارش خود نوشت که این اقدام ایران نقش عمده ای در اعتمادسازی خواهد داشت. با وجود این، ظاهراً نویسنده پیش نویس قطعنامه بهتر این موضوع را می داند و به منظور امتناع از اذعان به این روند مثبت، به تحریف زبان انگلیسی در بند ۳ اجرایی متوسل شد و با اصلاحیه جنبش عدم تعهد مبنی بر نزدیک تر ساختن آن به لحنی شایسته و معقول و نیز گزارش مدیرکل مخالف نمود.

۳. برنامه تبدیل اورانیوم (UCF) در اصفهان: تنها سه ماه قبل به ما از سوی آژانس گفته می شد که ایران در ساخت تأسیسات پروژه UCF در اصفهان، جهش بزرگ و پیشرفت عظیمی داشته است. این موضوع به عنوان یک مسئله مهم و عمده که انتظار نمی رفت به آسانی حل و فصل شود، تلقی گردید. آژانس هم اکنون دارد به این نتیجه می رسد که اظهاریه ایران درمورد UCF ظاهراً معتبر و در خور اعتماد است. هنگامی که بازرسان دفعه بعد به اصفهان بیایند، کافی است تنها برخی اسناد را مقایسه کنند تا تأیید کنند که این موضوع باقی مانده حل شده است.

۴. برنامه غنی سازی با لیزر: برنامه غنی سازی با لیزر، دومین مسئله عمده باقی مانده تلقی شده است. گزارش بیان می کند که برنامه ما دو بخش داشته است؛ برنامه جداسازی لیزری مولکولی ایزوتوپ و برنامه جداسازی تبخیر اتمی ایزوتوپ. به گفته گزارش، اطلاعات ارائه شده از سوی ما درمورد جداسازی لیزری مولکولی ایزوتوپ ظاهراً روشن و منطقی است. در ارتباط با برنامه جداسازی تبخیر اتمی ایزوتوپ چیز دیگری وجود ندارد که انتظار انجام آن از ایران برود. تا آنجا که به ما مربوط می شود، این موضوع نیز حل شده است. به هر حال، آژانس

نیاز دارد تأیید کشورهای ثالث را پیرامون تحویل تجهیزات مربوط به برنامه جداسازی تبخیر اتمی ایزوتوپ ایران دریافت نماید.

۵. پلوتونیوم: مسئله پلوتونیوم نیز در مباحث و مذاکرات نوامبر به عنوان یک موضوع مهم مورد دغدغه و بحث انگیز که باقی مانده است، مورد تأکید قرار داشت. این موضوع اکنون تا حد بررسی صحت محاسبه دانشمندان ایرانی در توزین پلوتونیوم تولیدی واقعاً کاهش پیدا کرده است. این موضوع، از جمله موضوعات ۱۱ گانه ای است که آژانس در انتظار نتایج نمونه برداری های مربوطه است. به باور ما، این موضوع نیز در دفعه آینده که بازرسان به ایران بروند، حل و فصل خواهد شد. اکنون مسئله این است که با در نظر گرفتن کیفیت تجهیزات مورد استفاده و تخصص به کار گرفته شده، آیا محاسبه دانشمندان ایرانی که میزان پلوتونیوم تولیدی را ۲۰۰ میکروگرم تخمین زده اند درست است، یا محاسبه آژانس که آن را ۲۰۰ میلی گرم حدس زده است، یا چیزی بین این دو رقم.

۶. پلونیوم ۲۱۰: در ارتباط با موضوع مطرح شده پیرامون پلونیوم ۲۱۰، شورای حکام را به توضیحات و اطلاعات ارائه شده در سند موسوم به INFCIRC/۶۲۸ از سوی ایران ارجاع می دهیم. علاوه بر این، ما یک گزارش ۴۱ صفحه ای نیز در ارتباط با این تحقیق خالص ارائه دادیم که در انتظار تجزیه و تحلیل آژانس به سر می برد. ما اطمینان داریم که توضیحات ما با تجزیه و تحلیل آژانس انطباق و سازگاری خواهد داشت. کافی است اشاره کنیم که برلیوم، مقوله ای است که در یک تحقیق مرتبط با برنامه نظامی، جزئی اجتناب ناپذیر و حیاتی است و این ماده هرگز جزو فهرست اقلام خریداری شده از سوی ایران نبوده است. به علاوه، چنان چه ایران در حدود ۱۳ سال پیش برای تحقیق در مورد پلونیوم ۲۱۰ قصد کاربرد نظامی داشته است، پس چه عاملی این کشور را از تکرار مکرر این تحقیق ظرف این ۱۳ سال بازداشته است؟ چرا این پروژه به جای آن که با تخصیص بودجه به آن ادامه یابد، متوقف شده است؟ به هرتقدیر، تحقیق پیرامون پلونیوم به موجب پادمان و پروتکل الحاقی الزامی به ارائه گزارش ندارد. حتی به عنوان یک منبع نوترونی، این ماده کاربردهای غیرنظامی گسترده ای به ویژه در زمینه حفاری های نفت و گاز دارد.

۷. آلودگی: تنها مسئله باقی مانده که ممکن است حل و فصل آن تاحدی مشکل و زمان بر به نظر برسد، موضوع آلودگی فراتر از ۱/۲ درصد غنی سازی است که آن نیز به دلیل عامل مستقل منشأ خارجی است. به هر حال، با آشکارسازی های اخیر از سوی کشورهای ثالث حتی موضوع آلودگی نیز می تواند زودتر حل و فصل شود. ما قصد داریم بازسازی واردات و انتقال اقلام هسته ای وارداتی به ایران، آلودگی را تا حد ممکن که آژانس را قادر به حل و فصل موضوع با انجام تعداد بالاتری از نمونه برداری ها نماید، جدا کنیم. به نظر ما، با مشخص شدن نتایج نمونه برداری های جدید، قطعات بیشتری از این پازل در جای خود قرار می گیرد.

۸. طراحی سانتریفیوژ P۲: مسئله طراحی سانتریفیوژ P۲ به دلایلی که شرح آن در سند INFCIRC/۶۲۸ ما بیان گردید و همچنین به دلایل ذیل، به نحو نامتناسبی مورد مبالغه قرار گرفت. روز جمعه ۱۳ فوریه بود که تمام جهان با یک خبر مواجه شدند و در آن روز، روزنامه های اروپا و ایالات متحده نوشتند مقامات آژانس بین المللی انرژی اتمی کشف و اثبات کرده اند که ایران در حال تولید سلاح های هسته ای است. روزنامه تایمز لندن، واشنگتن پست، لوس آنجلس تایمز و فایننشال تایمز در این زمینه خلاق ترین روزنامه ها بودند و عناوین خبری خود را به مقامات آژانس نسبت دادند. روزنامه تایمز لندن در مقاله ای با عنوان "نقشه ها نشان می دهند ایران به دنبال سلاح های هسته ای است" و پس از تشریح گفته های منتسب به مقامات آژانس در مورد نقشه سانتریفیوژ P۲، چنین گفت: چندین مقام آژانس بین المللی انرژی اتمی گفتند به اعتقاد آن ها ایران همان طراحی های کلاهک های هسته ای که لیبی به آژانس تحویل داده است را خریداری نموده است. واشنگتن پست نیز با اشاره به همین کشف، چنین نوشت: قبل از افشاسازی های دیروز، دولت بوش علائم هشداردهنده علیه ایران را با ارائه نشانه هایی از یافته های جدید اطلاعاتی که قویاً مؤید این بودند که ایران اسرار هسته ای در سر دارد، آغاز کرده بود. یک مقام دولت آمریکا به شرط افشا نشدن نامش گفته است: برخی از این موارد را مقامات آژانس هم هنوز اطلاع ندارند. صرف نظر از اشکالات مرتبط با نقض اصل محرمانه بودن اطلاعات که در اساسنامه آژانس و پروتکل الحاقی مورد تصریح قرار گرفته، مایلم به اعضای شورای حکام یادآور شوم که موضوع سانتریفیوژهای P۲ بی جهت توسط رسانه ها و آژانس مورد بزرگ نمایی و مبالغه قرار گرفته است. متخصص

غنی سازی اورانیوم آژانس که نقشه های P2 و آزمایشات و فعالیت های آزمایشی مربوط را مورد بازرسی قرار داد و با پیمانکار سی و چند ساله مربوطه مصاحبه کرده است، بهتر از هر کسی اکنون می تواند تأیید یا رد کند که تلیقات ساخته شده درخصوص P2 موجه است یا این که در مورد آن بزرگ نمایی صورت گرفته است. جهت اطلاع اعضای شورا، نسخه هایی از ۵ تصویر امضاء شده توسط متخصص غنی سازی اورانیوم آژانس را با خود آورده ام. این ۵ عکس، حاوی تمام ماجرای مربوط به تحقیق و ساخت سانتریفیوژ P2 ایران است. تمام این تحقیق و ساختمان سانتریفیوژ در یک کارگاه خصوصی کوچک انجام گرفته و محدود به ساخت قطعات برای تنها یک دستگاه سانتریفیوژ با چند روتور می باشد. این چند قطعه انگشت شمار هم در حال حاضر در انباری ذخیره شده که توسط بازرسان بازدید شده است. این تصاویر برای مشاهده هرکسی که علاقمند است، موجود می باشد. با بیان این مطالب درخصوص گستره و ماهیت فعالیت های ایران در زمینه سانتریفیوژهای P2 به مسئله عدم اشاره به برخورداری ایران از نقشه های سانتریفیوژ P2 در نامه مورخ ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ بازمی گردم. استدلال ما در این ارتباط در گزارش INFCIRC/۶۲۸ به طور کامل انعکاس یافته و بیشتر آن ها در بند ۴۷ گزارش به طور خلاصه بیان شده است. به منظور یادآوری، عرض می شود که بند ۴۶ بیان گر مشکل ارتباطی بین ما و آژانس است و منظور و مقصود ما هیچ گاه این نبوده که ما از گنجانیدن اطلاعات مربوط به P2 در نامه مزبور، به دلیل ضیق وقت در تهیه محتویات نامه غفلت کرده ایم. تا آنجا که به زمان ارائه گزارش برمی گردد، به نظر می رسد که در اصل موضوع مورد نظر بین دیدگاه ما و آژانس اختلاف وجود داشته است. متخصصان فنی ما که محتویات نامه ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ را تهیه کردند، تصور می کردند که باید تصویر کاملی از فعالیت های هسته ای خود و نیز تصویر کاملی از برنامه تحقیق و توسعه سانتریفیوژها از جمله مواد هسته ای مربوطه را که گویای قصور در تعهدات ما به موجب موافقت نامه پادمان بود، ارائه کنند. از نظر ما، سانتریفیوژ P2 بایستی در قالب اظهار نامه های پروتکل الحاقی گزارش می شد. تلقی ما این بود که گزارش دهی سانتریفیوژهای P2 باید به موجب پروتکل الحاقی باشد، نه به بخشی از نامه ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ که این امر با این نیت صورت گرفت. آن چه برای آژانس و شورای حکام باید مهم باشد، این حقیقت است که ما

اطلاعات لازم پیرامون ماهیت و گستره فعالیت های مربوط به سانتریفیوژهای P۲ را ارائه کرده ایم و هرگونه شفاف سازی دیگری را که آژانس به منظور قادرشدن برای تأیید این که برنامه سانتریفیوژهای گازی ما کاملاً براساس سانتریفیوژ P۱ بوده است که به حالت تعلیق نیز درآمده است لازم بداند، انجام خواهیم داد.

آقای رئیس

موافقت ایران با سه کشور اروپایی، شالوده فصل جدیدی از همکاری بین ایران و آژانس را تشکیل می دهد. این موافقت نامه راه را برای تعهد بیشتر درقبال هدف باز کرد. ایران به تعهدات خود پایبند بوده و از هیچ تلاشی برای اطمینان دادن به این که این فرایند با حرکتی موثر، سریع و جامع به سمت جمع بندی قطعی موضوعات مورد بحث و روشن شدن آن ها به پیش می رود، فروگذار نکرده است. بررسی منصفانه و جامع پیشرفت های اساسی حاصله در زمینه حل و فصل موضوعات عمده درطول دوره کوتاه زمانی اکتبر تاکنون، به خوبی این واقعیت را گواهی می دهد. سؤالات مربوط به تبدیل، پلوتونیوم، غنی سازی با لیزر که از سوی برخی از طرف های بدبین در اجلاس نوامبر به عنوان منابع تردید و عدم اطمینان درمورد ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای ایران مطرح شده بود، اکنون یا حل و فصل شده یا در آستانه حل و فصل نهایی است.

اگر فرایند کنونی اجازه یابد که درچارچوب مثبت اعتماد و همکاری متقابل پیش برود، ما تردیدی نداریم که این سؤالات و سایر موارد مورد اشاره در گزارش مدیرکل تا اجلاس آتی شورا حل و فصل خواهد شد. در ارتباط با سایر اطلاعاتی که دبیرخانه آژانس اخیراً آن را درخواست نموده، ما نهایت تلاش و توان خود را برای ارائه این اطلاعات به منظور تبیین موضوع پیچیده آلودگی و حل و فصل آن تا اجلاس آتی شورا به کار خواهیم برد. بدین ترتیب، تعهدات و وظایف ما و همچنین اقدامات اصلاحی و ترمیمی ما به طور کامل جامه عمل خواهد پوشید.

خلاصه ارزیابی ارائه شده از سوی مدیرکل در افتتاحیه این اجلاس، صرف نظر از تفسیر او درمورد موضوع سانتریفیوژ P۲ که یک نقطه منفی است، مساعد و مفید بوده و با آن چه درمورد ایران اظهار نمودم، مطابقت دارد. به اعتقاد ما، اظهارات مدیرکل به طور روشن شناسایی تنها موضوع باقی مانده یعنی آلودگی به عنوان موضوعی که همکاری مستمر از سوی ایران و سایر طرف ها را می طلبد، آشکار

می سازد. در همین چارچوب بود که او اظهار امیدواری کرد در فقدان موارد اکتشافی جدید، این موضوع و سایر موضوعات باقی مانده حل و فصل شده و اعتماد احیاء خواهد شد.

در عین حال، جمع بندی اساسی شامل ضرورت اجرای نظام پادمان مبنی بر عدم انحراف مواد و فعالیت های هسته ای به سمت مقاصد نظامی، همچنان ادامه دارد. از ماه نوامبر که مدیرکل هیچ موردی را دال بر انحراف گزارش نکرد، یک نظام گسترده راستی آزمایی به طور مؤثر و فراگیر حاکم بوده است. جمع بندی و نتیجه گیری مربوطه نیز همین وضعیت را دارد. امروز، هیچ سند و گواهی دال بر انحراف وجود ندارد، فردا نیز چنین گواهی وجود نخواهد داشت و در آینده نیز چنین مدرکی که حاکی از انحراف باشد، وجود نخواهد داشت.

البته برای برخی کشورها پذیرش این واقعیت که برنامه هسته ای ما کاملاً صلح آمیز است، آسان نیست. کسانی که از مدت ها قبل، سیاست و رویکرد خود را بر پایه این تلقی غلط که ایران به دنبال سلاح های کشتار جمعی است استوار ساخته اند، به راحتی نمی توانند این رویکرد را در خود تغییر دهند. انکار آنان، به طور طبیعی نخستین واکنش روانی قبل از پذیرش واقعیت است، اما حقیقت همچنان باقی است.

برنامه هسته ای ایران کاملاً صلح آمیز است. بازرسی های آژانس به تدریج این ادعا را تأیید و اثبات خواهد کرد. به رغم این پیشینه، تلاش برای تخریب این فرایند سالم که در حال حاضر موجب اطلاع رسانی عمومی است، مشخصاً محلی از اعراب ندارد. تمایل شدید و ناروایی برای اعمال فشار به ایران از طریق تحریف واقعیت ها، مبالغه و بزرگ نمایی تردیدهای کوچک و پش دآوری های افراطی مشاهده می شود. تلاش و تحرک برای تصویب یک قطعنامه سرسختانه و انعطاف ناپذیر در اینجا اساساً مبتنی بر احساسات مغرضانه ایدئولوژیک صورت می گیرد. اگر این وضعیت غالب و حاکم شود که ظاهراً از طریق منطق زور و اعمال سخت گیری های هدفمند و طراحی شده چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد، تدریجاً مجال آسایش پیدا خواهند کرد.

افراد خیرخواه و خوش نیت در اینجا به ما می گویند که در برخی محافل ایدئولوژیک، حرف های ظاهر فریب و پر از لاف و گزاف به وفور یافت می شود. آن ها می گویند بهتر است اجازه دهیم حباب داغ این حرف ها بترکد. صراحتاً می گوئیم که نمی دانیم این فضا به بهبود کارها کمک می کند یا نه. به هر حال، آن چه ما می بینیم این است که خسارت قبلاً وارد شده است و این فرایند همکاری است

که این خسارت را تحمل می کند. احیای این فرایند، تلاش های فوق العاده ای لازم دارد. با تغییر ذهنیت های لجوج و قلب های سرد، شاید در ماه ژوئن شاهد روحیه تغییر یافته ای باشیم. در مقام بازنگری، می توان اجلاس مارس را به عنوان یک رویداد بد به ذهن سپرد.

۳. بیانیۀ عدم تعهد در شورای حکام

آقای رئیس

۱. مایلم به نیابت از سوی کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، از مدیرکل و دبیرخانه آژانس به خاطر ارائه گزارش به شورای حکام در ارتباط با موضوعات پادمانی در جمهوری اسلامی ایران همان گونه که در سند GOV/۲۰۰۴/۱۱ آمده، تشکر کنم.

۲. دفتر نم در وین با اعلام رضایت خود از گزارش مزبور، به وضوح اعلام کرده که همکاری فزاینده ای بین ایران و آژانس وجود دارد و این که ایران به افزایش این همکاری ها از طریق اتخاذ اقدامات اصلاحی لازم برای حل و فصل موضوعات، استمرار بخشیده است.

۳. ضمن این که دفتر نم از دبیرخانه به خاطر انجام فعالیت های گسترده راسی آزمایی که از ماه نوامبر تاکنون انجام داد تقدیر به عمل می آورد، از آژانس می خواهد تلاش ها به ویژه در زمینه تجزیه و تحلیل نمونه برداری های محیطی صورت گرفته را به منظور حل و فصل سوالات باقی مانده مربوطه در اسرع وقت سرعت بخشد.

۴. نم مایل است یادآوری کند که شورای حکام قبلاً قطعنامه GOV/۲۰۰۴/۸۱ را بدون رأی گیری تصویب کرده و از پیشرفت حاصله از سوی ایران در زمینه اقدامات درخواست شده در آن قطعنامه استقبال می کند. نم، به ویژه خاطر نشان می سازد که ایران:

- پروتکل الحاقی را در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ (بند ۵ گزارش) امضاء و پروتکل را قبل از تصویب اجرا نموده است و این که تعهد کامل خود در قبال ارائه اظهارنامه های مورد نیاز براساس جدول زمانی مصرح در پروتکل که ۱۸ دسامبر آغاز آن است را اعلام کرده است.

- در ارائه اطلاعات، فراهم نمودن امکان مصاحبه با افراد ذی ربط (بند ۳ گزارش)، اعطای دسترسی به آژانس و اجازه به آن برای نمونه برداری های محیطی از هر جا که آژانس ضروری تشخیص داده است، فعالانه همکاری نموده است. همچنین اعطای دسترسی تکمیلی بازرسان به اماکن مختلف از جمله تأسیسات کارگاهی در مراکز نظامی (بند ۷۲ گزارش) و ارائه سایر اطلاعات برای حل و فصل موضوع باقی مانده

آلودگی (بندهای ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ گزارش) توسط ایران، به طور خاص شایان توجه است.

- فعالیت های غنی سازی و بازفرآوری خود را به طور داوطلبانه تعلیق نموده و از آژانس برای راستی آزمایی این تعلیق دعوت کرده است.

- اطلاعات و صورت کاملی از طراحی ها و گزارش های فنی در ارتباط با آزمایشات تبدیل اورانیوم را که آژانس را قادر ساخته است به جمع بندی مقدماتی پیرامون یک موضوع مهم دست یابد، در ژانویه ۲۰۰۴ ارائه نموده است که به نظر می رسد آزمایشات و فعالیت های مرتبط با پروژه تبدیل اورانیوم در UCF معتبر و قابل اعتماد باشد (بندهای ۱۴ و ۷۳ گزارش).

- تمام مواد هسته ای را به منظور راستی آزمایی به آژانس اعلام کرده، تمام تغییرات در گزارش سیاهه و فهرست این مواد را به همراه بیان مربوطه و نیز فهرست فیزیکی سیاهه مواد مورد درخواست آژانس را ارائه نموده است.

۵. نم این موضوع را که اظهارنامه فعالیت های هسته ای ایران که در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ به آژانس تسلیم شده تمام موارد درخواستی به موجب موافقت نامه جامع پادمان را پوشش می دهد و اینک اظهاریه های بعدی مطابق تعهدات ایران به موجب پروتکل الحاقی و راستی آزمایی های مربوطه صورت خواهد گرفت، مورد توجه قرار می دهد.

۶. نم، تعلیق فعالیت های غنی سازی و بازفرآوری از سوی ایران و نظارت های مربوطه توسط آژانس را مورد توجه قرار می دهد. نم، با به خاطر سپردن حق اساسی و مسلم کشورهای عضو برای توسعه انرژی هسته ای در مقاصد صلح آمیز، تأکید می کند که این اقدام داوطلبانه تنها با هدف اعتمادسازی صورت گرفته و مقصود از آن، حل و فصل سریع مسئله بوده است.

۷. نم از همکاری شتاب گرفته بین ایران و آژانس استقبال می کند و امیدوار است این همکاری تا مرز حصول به هدف حل و فصل کامل موضوع در سریع ترین زمان ممکن ادامه یابد. نم معتقد است که شفافیت و همکاری کامل ایران یک رویداد مورد استقبال است و باید منتج به فصل جدیدی از تعامل بین ایران و آژانس گردد.

۸. نم به اتخاذ تصمیم در شورا از طریق اجماع اهمیت فوق العاده ای قائل است. در این زمینه، نم گفتگوهای مثبت بین کشورهای عضو را به منظور خاتمه سریع و مسالمت آمیز مسئله درچارچوب اختیارات آژانس ترغیب می نماید. ما از نقش برخی از کشورهای اروپایی و سایر کشورها در تقویت فضای همکاری تقدیر نموده و دیگر کشورهای عضو را با حمایت و پیوستن به چنان تلاش هایی دعوت می کنیم.

۹. با توجه به تصویب بدون رأی گیری قطعنامه حاضر درمورد ایران، نم که اصلاحیه های متعددی را درمورد متن قطعنامه و براساس یک روحیه مصالحه پیشنهاد کرده بود آماده است قطعنامه را به استثنای بند اجرایی نهم آن بپذیرد.

۱۰. در این ارتباط، تلقی نم از بند ۹ اجرایی قطعنامه این است که شورای حکام در اجلاس ژوئن براساس گزارش بعدی مدیرکل درخصوص این موضوع به جمع بندی مناسب خواهد رسید.

۱۱. نم به انعکاس و بازگویی اظهارات مدیرکل می پردازد و ما همه در انتظار زمانی هستیم که موضوعات باقی مانده در این زمینه حل و فصل شوند و اعتماد بین المللی احیاء گردد. در آن مرحله، دستیابی به وضعیت عادی در این ارتباط امکان پذیر خواهد بود.

۴. توضیحات کتبی جمهوری اسلامی ایران در مورد گزارش مدیرکل آژانس^۱

جمهوری اسلامی ایران خرسند است که گزارش مدیرکل، همکاری کامل و فعال ایران با آژانس را با هدف حل و فصل کامل تمام مسائل باقی مانده تأیید کرده است. ضمن آن که ایران از کار حرفه ای و تلاش مجدانه دبیرخانه قدردانی می نماید، لازم می داند پیرامون تعدادی از مواردی که تصادفاً در گزارش مدیرکل ذکر نشده، موارد ذیل را جهت تبیین موضوع و مزید اطلاع عنوان نماید:

۱. اجرای پروتکل الحاقی توسط ایران قبل از تصویب آن در پارلمان که نشانه آشکاری از تعهد داوطلبانه سیاسی درقبال نهایت همکاری و شفافیت به شمار می رود، در بند ۵ گزارش مورد اشاره قرار نگرفته است.

- تا روز انتشار گزارش مدیرکل، ۶ دسترسی تکمیلی در فاصله زمانی دوساعت قبل از بازرسی اعطاء شده است.

- دسترسی های تکمیلی به مرکز تحقیقات فناوری اصفهان و کرج که در بند چهارم به آن اشاره شد، قبل از امضای پروتکل الحاقی توسط ایران (۱۸ دسامبر ۲۰۰۳) اعطاء شده است.

- براساس ماده ۴ پروتکل الحاقی، دسترسی تکمیلی پس از اظهارنامه های تسلیمی از سوی کشورهای عضو برای راستی آزمایی فعالیت های اظهار شده و عدم وجود فعالیت های اظهار نشده قابل اجراست. هدف از این کار، ممکن است اجتناب از سوء تفاهمات ناشی از اختلافات احتمالی با تصویر کامل نهایی باشد که باید مطابق با راستی آزمایی گزارش شود. هرچند درخواست های آژانس برای دسترسی تکمیلی قبل از تسلیم اظهارنامه توجیه قانونی نداشته، اما دسترسی های تکمیلی از سوی ایران در قالب روحیه همکاری و اعتماد اعطاء شده است.

۲. انهدام تجهیزات و قطعات از کارافتاده فرایند تحقیق و توسعه پروژه های تبدیل اورانیوم توسط ایران تحت نظارت بازرسان آژانس در ۱۴ ژانویه ۲۰۰۴ به درستی در بند ۱۹ گزارش منعکس نشده است.

^۱ INFCIRC/۶۲۸، ۵ March ۲۰۰۴.

۳. کل مقدار پلوتونیوم تولیدی تخمین زده شده توسط آژانس همان گونه که توسط معاون مدیرکل در امور پادمان در تاریخ ۲۷ فوریه ۲۰۰۴ در گزارش به اعضای شورای حکام اعلام شده است، حداکثر ۲ میلی گرم می باشد. از این رو، عبارت «به مقدار قابل توجهی بالاتر» در بند ۲۶ می تواند گمراه کننده باشد. مدیر پروژه در جریان بازرسی توضیح داد که به دلیل فقدان تجربه در استخراج حلال و همچنین به دلیل نگرانی های امنیتی و خطرات پرتو افشانی به خاطر استفاده از مخزن پوشش دار به جای سلول های دائم تجهیز شده، امکان استخراج مقداری بیشتری پلوتونیوم نسبت به آن چه که گزارش شده و برای راستی آزمایی آژانس ارائه گردیده، امکان پذیر نبوده است.

۴. در بند ۳۷، عبارت بیشتر کارگاه ها در تملک نهادهای نظامی صنعتی قرار دارند، صحت ندارد. همان گونه که در اسناد ارائه شده در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ توضیح داده شد، ۳ کارگاه از ۱۰ کارگاهی که در کار ساخت قطعات سانتریفیوژ نقش داشته اند متعلق به صنایع دفاعی بوده اند و قبلاً توسط آژانس بازرسی شده اند. آژانس آگاهی دارد که دستگاه های بسیار دقیق ابتدائاً در مالکیت صنایع دفاعی هستند که صنایع دفاع سازمانی است که تحت قراردادهای مختلف با شرکت های خصوصی و دولتی به تولید قطعات می پردازد.

۵. در بند ۳۸ عبارت «دسترسی هدایت شده» صحیح است، چرا که در طول بازرسی ها به بازرسان آژانس اجازه دسترسی کامل و نامحدود اعطاء شده است.

۶. توضیحات تفصیلی سازمان انرژی اتمی ایران در خصوص نتایج تحلیل نمونه محیطی مورد اشاره در بندهای ۳۹ و ۴۰ در مورخ ۱۶ فوریه ۲۰۰۴ به آژانس ارائه شده که ارزیابی آن ظاهراً هنوز نهایی نشده است.

۷. اطلاعات مربوط به دو کارگاه موسوم به فرایند تکنیک در اصفهان و پارس تراش در تهران که در کار تولید قطعات سانتریفیوژها فعال بوده اند، طی اظهاریه ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ به آژانس ارائه شده است. لذا، عبارت "وجود ... را کشف کرده" در بند ۴۱ صحیح نیست.

۸. در ارتباط با بند ۵۷، به بازرسان آژانس راجع به علت فقدان اطلاعات تفصیلی نهایی پیرامون ابعاد و طرح واقعی سلول های داغ منطبق با رآکتور آب داغ اطلاعات لازم ارائه شده بود. یکی از دلایل عمده، عدم دسترسی به دستک های لازم برای سلول های داغ بود که ابعاد دقیق

- سلول های داغ براساس آن می توانست تعیین شود. در این زمینه، به بازرسان آژانس همچنین اطلاع داده شد که تلاش ها برای خرید دستک ها از خارج با توفیق همراه نبوده است.
۹. در اشاره به بند ۷۵، توجه به این مطلب مهم است که همان گونه که اخیراً بازرسی های عمومی از کشور ثالث اثبات کرده است، قطعات فروخته شده به ایران قبلاً مورد استفاده قرار گرفته بودند. از این رو، روشن ساختن منشأ آلودگی نمی تواند جامع باشد.
۱۰. موضوع پرتوافشانی نمونه های فلز بیسموت برای تولید پلونیوم ۲۱۰، کاملاً با بازرسان در ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته و یک سند ۴۱ صفحه ای به آژانس ارائه شده است. موضوع مزبور همچنین در جریان گزارش ۲۷ فوریه ۲۰۰۴ توضیح داده شده است. توجه به موارد ذیل در این خصوص حائز اهمیت است:
- همان گونه که در بند ۲۸ عنوان شد، اظهارنامه مربوط به پرتودهی بیسموت به موجب موافقت نامه پادمان الزامی نیست.
 - این طرح بیش از ۱۳ سال پیش برچیده شده است.
 - اطلاعات کامل درمورد پرتودهی دو نمونه بیسموت در راکتور تحقیقاتی تهران، در دفترچه مالکیت راکتور که به مدت ۳۰ سال تحت پادمان آژانس بوده است، ثبت شده است. موضوع پرتودهی بیسموت قبلاً هرگز مطرح نگردید.
 - در این پروژه تحقیقی تنها دو نمونه بیسموت (۰/۵ و ۱/۵ گرم) پرتودهی نشده است و تلاش برای استخراج پلونیوم از نمونه نخست بی نتیجه بوده است. پروژه تحقیقی ۱۳ سال پیش به اتمام رسیده، زیرا شیمیدان مسئول پروژه کشور را برای همیشه ترک کرد. نمونه دوم، مورد فراوری قرار نگرفت و بعداً به دلیل عمر کوتاه آن به عنوان پسماند دفع شد.
 - قصد و هدف، ایجاد منبع نوترون نبود. از این رو، برلیوم که برای منبع نوترونی با پلونیوم ۲۱۰ لازم است، هنگام تأمین اقلام مورد نیاز از خارج سفارش داده نشد. اسناد پشتیبان در این ارتباط به آژانس ارائه شده است.
 - براساس مطالب علمی و فنی ارائه شده به آژانس، پلونیوم ۲۱۰ کاربردهای متفاوتی در مقاصد صلح آمیز دارد. حتی در یک وضعیت و سناریوی کاملاً نظری درمورد قصد و

نیت استفاده از پلونیوم ۲۱۰ برای تولید منبع نوترونی، این منبع کاربردهای سالم و صلح آمیز چندگانه ای از جمله رآکتورها، کشف نوترون در اکتشافات نفت و گاز و سایر تحلیل های فعال سازی نوترون داشته است.

- ایران از شیمیدان مسئول پروژه که ایران را ترک کرده بود، دعوت کرد به منظور انجام مصاحبه با وی توسط بازرسان و روشن ساختن ماهیت، گستره و نیت تحقیقات و دلایل خاتمه این تحقیقات، به ایران باز گردد.

۱۱. تا آنجا که به طراحی سانتریفیوژ P۲ مربوط می شود، نکات ذیل باید مورد توجه قرار گیرد:

- پروژه ملی برای غنی سازی اورانیوم، براساس طراحی P۱ بوده است. کارخانه آزمایشی نطنز برآن اساس ساخته شده است.

- در جریان مذاکرات بازرسان آژانس با متخصصان سانتریفیوژ ایران در تابستان ۲۰۰۳، موضوع تحقیق پیرامون مدل ها و ابعاد مختلف قطعات سانتریفیوژ به ویژه روتورها (متفاوت با طراحی P۱) از سوی متخصصان ایرانی مطرح شده بود. لذا، آژانس پیشاپیش در جریان کامل پروژه تحقیق و توسعه قرار گرفت. نمایش روتور کوچک که از نوع طراحی P۱ نیست، در سالن نمایشگاه نطنز در جریان بازدید مدیرکل و هیئت همراه در فوریه ۲۰۰۳ فقدان هرگونه قصد و نیت برای پنهان کاری را اثبات می کند.

- باید توجه به این واقعیت معطوف گردد که صرفاً مهندسی کلی طرح P۲ دریافت شده و جزئیات یا طراحی ساخت آن دریافت نشده است. هیچ قطعه ای از P۲ از طریق واسطه به دست نیامده است. تنها تعدادی قطعات تیوب های روتورها در ابعاد مختلف توسط یک شرکت خصوصی در داخل ساخته شده است. این قطعات، در ژانویه ۲۰۰۴ به طور داوطلبانه در اختیار بازرسان آژانس قرار داده شد. این پروژه تحقیقاتی به دلیل مشکلات مربوط به قرارداد، خاتمه پیدا کرده است.

- به موجب موافقت نامه جامع پادمان (INFCIRC/۱۵۳)، جمهوری اسلامی ایران به ارائه گزارش به آژانس پیرامون نقشه های P۲ و تیوب های روتورها (که در داخل ساخته شده) ملزم نبوده است، چرا که هیچ کدام از آن ها نه در ساخت تأسیسات هسته ای و نه مواد هسته ای ذی مدخل نبوده است.

- هدف از اظهاریه ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳، ارائه تصویری کامل از موضوعات مورد درخواست به موجب موافقت نامه پادمان ایران است. ایران قصد داشته در قالب اظهاریه های بعدی، اطلاعات مربوط به فرایند تحقیق و توسعه P۲ را به موجب تعهدات خود ناشی از پروتکل الحاقی در چارچوب جدول زمانی تعیین شده از سوی آژانس ارائه نماید.

۱۲. تا آنجا که به تحقیق و توسعه در خصوص تبدیل اورانیوم (بخش ب گزارش) مربوط می شود، یادآوری می گردد که طی ۲۵ سال گذشته مجموعاً به میزان ۵۰ کیلوگرم اورانیوم طبیعی به شکل کیک زرد ($U^{3}O_8$) در پروژه های مختلف تحقیقی در مرکز فناوری اصفهان و مرکز تحقیقات هسته ای تهران به کار رفته است و در همین حال، بیش از ۳۵۰ تن کیک زرد به موجب پادمان آژانس برای چندین سال بدون استفاده باقی مانده است. به رغم القائات گمراه کننده ای که ممکن است از گزارش های پیشین حاصل شده باشد، پروژه های تحقیقاتی مذکور مخفیانه نبوده است. اسناد ارائه شده در خصوص تبدیل اورانیوم در کنفرانس بین المللی علوم و فناوری هسته ای برگزار شده در بوشهر در سال ۱۹۸۵ و همچنین اطلاعات تفصیلی پیرامون فعالیت های ایران در زمینه تبدیل اورانیوم که در قالب تقاضانامه های عضویت آژانس از سوی متخصصان سازمان انرژی هسته ای ایران ارائه شده، واقعیت مزبور را اثبات می کند. اسناد مربوطه قبلاً به بازرسان تسلیم شده است.

۵. قطعنامه شورای حکام^۱

شورای حکام

الف) با یادآوری قطعنامه های مصوب شورای حکام در تاریخ های ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ و ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳ و بیانیه شورای حکام در تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳؛

ب) با تقدیر از گزارش مدیرکل در تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۰۴ درباره اجرای پادمان در ایران؛

ج) با تقدیر از مدیرکل و دبیرخانه به خاطر تلاش های مداوم آنان برای اجرای موافقتنامه پادمان با ایران و حل و فصل تمام مسائل مهم باقی مانده هسته ای در این کشور؛

د) با توجه رضایتمندانه به این که ایران پروتکل الحاقی را در تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ امضاء و طی مکاتبه ای که در تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳ با مدیرکل داشت، متعهد شد که از آن تاریخ طبق مقررات پروتکل عمل کند؛ همچنین با توجه به این که این پروتکل طبق خواست مندرج در قطع نامه های ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳ و ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ شورای حکام تا به حال تصویب نشده است؛

ه) با توجه به تصمیم ایران در ۲۴ فوریه ۲۰۰۴ مبنی بر توسعه حوزه تعلیق فعالیت های مربوط به غنی سازی و بازفراوری و تأیید این کشور مبنی بر این که تعلیق در همه تأسیسات ایران انجام می شود؛

و) با توجه توأم با نگرانی جدی مبنی بر این که اظهار نامه های ایران در اکتبر ۲۰۰۳ تصویری کامل و نهایی از برنامه هسته ای گذشته و حال ایران را مطابق خواست آژانس در قطعنامه نوامبر ۲۰۰۳ خود که تعدادی از قصورات ایران را متذکر شده ارائه نمی دهد، برای مثال: یک طرح پیشرفته تر سانتریفیوژ از آن چیزی که قبلاً اعلام شده بود شامل فعالیت های تحقیقاتی و آزمایش و ساخت قطعات آزمایشی وابسته، دو طیف سنج وسیع که در برنامه غنی سازی لیزری کاربرد دارد و طرح هایی برای ساخت سلول های داغ در رآکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک (که رسیدگی و تحقیق بیشتری برای آن ها لازم است)؛

ز) با نگرانی مشابه، خاطرنشان می سازد که ایران همه مسائل مربوط به توسعه فناوری غنی سازی خود را حل نکرده است و مواردی از جمله منشأ آلودگی اورانیوم با غنای بالا، امکان، اندازه و ماهیت کار

^۱ GOV/۲۰۰۴/۲۱, ۱۳ March ۲۰۰۴.

انجام شده براساس طرح های پیشرفته سانتریفیوژ، ماهیت، وسعت و هدف فعالیت های مربوط به رآکتور آب سنگین، و شواهدی دال بر اثبات ادعاهای مربوط به اهداف آزمایش های پلونیوم ۲۱۰ هنوز حل نشده اند؛

ح) با نگرانی مجدد، خاطرنشان می سازد با توجه به گزارش ۲۰ فوریه ۲۰۰۴ مدیرکل اگر چه برنامه های فراوری و سانتریفیوژ ایران و لیبی در زمان های متفاوتی بوده، اما دارای عناصر اصلی مشترک می باشند، از جمله فناوری مربوطه که عمدتاً از منابع خارجی یکسان تهیه شده است.

۱. اذعان می کند مدیرکل گزارش کرده که ایران به شکل فعال درباره دسترسی به مکان هایی که آژانس لازم دانسته همکاری کرده است، اما از آنجایی که همکاری ایران نسبت به آن چه لازم بوده تاکنون کاهش یافته است، از ایران می خواهد همکاری خود را به ویژه با ارائه اطلاعات مشروح و دقیق از همه جوانب فعالیت های هسته ای گذشته و حال افزایش دهد.

۲. از امضای پروتکل الحاقی از سوی ایران استقبال می کند، خواستار تصویب سریع آن می باشد و بر استنباط شورای حکام تأکید می کند که ایران در نامه ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳ خود به مدیرکل به طور داوطلبانه متعهد شده است که از آن زمان طبق مقررات پروتکل عمل کند، و براهمیت پایبندی ایران به ضرب الأجلی که برای اظهارنامه ها در بند ۳ پروتکل آمده تأکید می کند.

۳. با یادآوری این که شورای حکام در قطعنامه های ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ و ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳ خود از ایران خواست که تمام فعالیت های مرتبط با بازفراوری غنی سازی را تعلیق نماید، خاطرنشان می سازد که تصمیمات داوطلبانه ایران در ۲۹ دسامبر ۲۰۰۳ و ۲۴ فوریه ۲۰۰۴ نشان دهنده گام های مثبتی در این رابطه از سوی ایران است و از این کشور می خواهد که اجرای این تعهد را به همه فعالیت های این چنینی در ایران توسعه دهد و از مدیرکل تقاضا دارد بر انجام کامل این اقدامات نظارت نماید.

۴. اظهار تأسف می کند که ایران همان طور که به تفصیل در گزارش مدیرکل آمده است، در نامه ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ خود که باید نمایه ای کامل از فعالیت های هسته ای ایران و گاه شماری کامل از تحقیق و توسعه سانتریفیوژ و همچنین دارا بودن طرح های سانتریفیوژ P2 و تحقیقات وابسته، ساخت و فعالیت های آزمایشی - مکانیکی که مدیرکل به عنوان نگرانی جدی از آن

یاد می کند، خصوصاً با توجه به اهمیت و حساسیت این فعالیت ها ارائه می نمود، به هیچ مطلبی اشاره نکرده است.

۵. نگرانی های مدیرکل را درباره هدف ایران از آزمایشات مربوط به تولید و قصد استفاده از پلونیوم ۲۱۰ درحالی که اطلاعاتی برای حمایت این موضوع در اظهارات خود ارائه نداده است، تکرار می کند.

۶. از ایران می خواهد که برای حل همه موضوعات باقی مانده مثل آلودگی های با غنای بالا و پایین اورانیوم در شرکت کالای الکتریک و نطنز، موضوع ماهیت و گستره تحقیقات غنی سازی ایزوتوپ لیزر در ایران و موضوع آزمایشاتی که به تولید پلونیوم ۲۱۰ منجر می شود، تمامی اقدامات ضروری را به صورت فوری اتخاذ کند.

۷. با قدردانی خاطر نشان می کند که آژانس منابع و مسیرهای تهیه این فناوری و تجهیزات مربوطه و مواد هسته ای و غیرهسته ای که در ایران یافت شد را بررسی می کند و تکرار می کند که همکاری فوری، کامل و نزدیک کشورهای ثالث با آژانس برای روشن کردن مسائل باقی مانده درباره برنامه هسته ای ایران ضروری است؛ این مسائل شامل کسب فناوری هسته ای از منابع خارجی است و همچنین از هرگونه همکاری با آژانس در این راستا قدردانی می کند.

۸. از مدیرکل درخواست می کند که درباره این موضوعات و اجرای این قطعنامه و قطعنامه های قبلی، پیش از پایان ماه مه یا زودتر گزارشی را ارائه دهد تا در شورای حکام ماه ژوئن مورد بررسی قرار گیرد.

۹. تصمیم می گیرد بررسی پیشرفت در تأیید اظهارنامه های ایران و چگونگی پاسخگویی به قصورات ذکر شده در بالا را تا جلسه ماه ژوئن و پس از دریافت گزارش مدیرکل که در بند قبل به آن اشاره شد، به تعویق بیندازد.

۱۰. تصمیم می گیرد تا موضوع همچنان در دستورکار آن باشد.